

بررسی علل و زمینه‌های پیوستن به داعش؛ با تأکید بر اروپا

یعقوب توکلی^۱

محسن محمدی^۲

چکیده

گروه‌های تکفیری یکی از چالش‌های مهم جهان اسلام و حتی عرصه بین‌المللی هستند. به دنبال حوادث تروریستی در اروپا، مقام معظم رهبری دو نامه به جوانان غربی نوشتند تا ماهیت این گروه‌ها را برای آن‌ها روشن نمایند. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود این است که چرا برخی افراد به این گروه‌ها می‌پیوندند در حالی که رویکردهای خشن و غیرعقلانی این گروه‌ها توجه تحلیل‌گران و افکار عمومی را به خود جلب کرده است. در این بین، پیوستن جوانان اروپایی به این گروه‌ها، جای تأمل و بررسی بیشتری دارد. در پاسخ به این پرسش می‌توان جاذبه‌های گروه‌های تکفیری را در این موارد جست‌وجو کرد: جاذبه‌های مالی که در پرداخت دستمزد به اعضای این گروه‌ها مشاهده می‌شود؛ جاذبه‌های روانی هیجانی که می‌توان آن‌ها را در مواردی مانند هویت‌بخشی و انتقام‌گیری از غرب مشاهده کرد؛ جاذبه‌های ایدئولوژیک گروه‌های تکفیری در شعارهایی مانند ارائه اسلامی اصیل است؛ علاوه بر این می‌توان جاذبه‌های جنسی، تبلیغاتی، ساختاری سازمانی و سیاسی را در پیوستن افراد به گروه‌های تکفیری مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: جاذبه‌های گروه‌های تکفیری، بحران هویتی، اسلامی سیاسی،

غرب.

۱- استادیار و مدیرگروه مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف.

۲- پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، moh2941@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۳ تاریخ تصویب: ۹۵/۷/۲۳

مقدمه

گروه تروریستی تکفیری «داعش» را نمی‌توان پدیده‌ای محلی برشمرد یا ظهور و شکل‌گیری آن را در سال ۲۰۰۶ میلادی، با مناطق درگیری و نزاع در عراق مرتبط دانست. امروزه داعش توسعه یافته است و حدود مرزی برای خود نمی‌شناسد؛ به طوری که از زمان اعلام موجودیت آن در آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون، هزاران جوان به این گروه ملحق شده‌اند تا تحت عنوان «جهاد» در صفوف آن به مبارزه بپردازند. مقام معظم رهبری در پیام دوم خود به جوانان غربی، با اشاره به مؤلفه خشونت در فرهنگ غربی در کنار بی‌بندوباری اخلاقی، بر نقش استعمار غرب در ایجاد گروه‌های تکفیری تأکید می‌کنند. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می‌دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت؛ و گرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می‌داند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می‌شوند؟ آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و موگد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت؛ تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طی سال‌های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل افشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده است که هر از چندی

بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود.^۳

پیوستن جنگجویان خارجی پدیده جدیدی نیست ولی داعش از جهت ماهیت و مشخصات جنگجویان، با همه آن‌ها متفاوت است (Briggs, Rachel obe and Silverman, 2014:8). این افراد هیچ ارتباط قومی و فرهنگی با سوریه ندارند و اساساً جوانانی شهری هستند که سابقه یا سوءسابقه مهمی در رفتارهای مجرمانه و ضداجتماعی و درگیری‌های افراطی ندارند (Barrett, 2014:18).

آمار خارجی‌های داعش متفاوت است و جمع‌بندی بین آن‌ها گاهی دشوار می‌نماید؛ ولی به هر حال دست‌یابی به همه حقیقت دشوار است، به‌خصوص زمانی که رقم رسمی از سوی داعش در این خصوص منتشر نشده است.

به گزارش سوفان گروپ، داعش به‌عنوان مظهر تکفیریسیم، تا ژوئن ۲۰۱۴، با جذب نیرو از بیش از ۸۱ کشور جهان، بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین شبکه تروریستی در تاریخ بشریت را ایجاد کرده است. از میان کشورهای اروپایی نیز ۷۰۰ نفر از فرانسه، ۸۰۰ نفر از روسیه و ۴۰۰ نفر از شهروندان انگلیسی در بین تروریست‌های گروه داعش در عراق و سوریه هستند. طبق این گزارش، آمار حضور شهروندان از دیگر کشورهای جهان به شرح زیر است: بلژیک ۲۸۰ نفر، آمریکا ۷۰ نفر، اسپانیا ۵۱ نفر، نروژ ۵۰ نفر، کانادا، فنلاند، ایرلند و سوئد نیز به‌طور مساوی ۳۰ نفر (Barrett, 2014: 23).

ولی این آمار و میزان گرایش و جذب نیروهای خارجی به داعش، به‌طور مداوم در حال تغییر است. مطابق آماری که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، در فوریه ۲۰۱۵ منتشر کرد: ۲۰ هزار نفر از ۹۰ کشور دنیا به داعش پیوسته‌اند که از جمله آن‌ها ۳ هزار و ۴۰۰ نفر از کشورهای غربی هستند که بیش از ۱۵۰ نفر آن‌ها از آمریکا می‌باشند (شبکه العالم، ۲۵ بهمن ۱۳۹۳).

بر اساس گزارش مرکز رادیکالیسم‌پژوهی که در اجلاس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۱۵ منتشر شد، تعداد جنگجویان اروپایی غربی در کمتر از دو سال، از ۵۰۰ تن در

آوریل ۲۰۱۳ به نزدیک ۴۰۰۰ تن افزایش یافته است (Neumann, 2015:3).

این آمار، ذهن بسیاری از تحلیل‌گران اجتماعی را به خود جلب کرده است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود: داعش چه جاذبه‌ای دارد که افراد زیادی اعم از زن و مرد را از نقاط مختلف جهان به خود جلب می‌کند؟ در حالی که خشونت و آوراگی و احتمال ازدست‌دادن جان که در پیوستن به داعش وجود دارد، نتوانسته است این جاذبه‌ها را کم کند. در ادامه مهم‌ترین عوامل جذب به داعش را بررسی می‌کنیم.

علل و جاذبه‌های ایدئولوژیک

۱. شعار اصلاح‌گری

برخی افراد به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده جذب شعارهای اصلاح‌گرایانه داعش می‌شوند. داعش برای حل مشکلات جهان اسلام، بر جهاد و سلفی‌گری تأکید می‌کند و جوانان پرشوری که خواهان اصلاح امور جهان اسلام هستند جذب شعارهای اصلاح‌گرایانه داعش می‌شوند. البته آن‌ها پس از جذب به داعش متوجه می‌شوند که حقیقت چیز دیگری است.

داعش با داعیه تمدنی و احیای تمدن اسلامی، از احساسات و زمینه‌های تعالی‌جویانه جوانان اسلامی سوءاستفاده می‌کند. اینکه داعش بر مفاهیمی مانند خلافت تأکید دارد از این جهت است که به دنبال احیای تمدن اسلامی است که آن را در خلافت عباسیان قرار داده است. از این رو بغداد را به‌عنوان پایتخت حکومت ادعایی خود قرار داده است و ابوبکر بغدادی ضمن اینکه عنوان بغدادی را برای خود برگزیده است با پوششی سیاه‌رنگ، خلفای عباسی را در ذهن مردم تداعی می‌کند (جلائی‌پور، ۱۳۸۱: ۵۲).

داعش با عنوان سلفی‌گری، اصلاح‌گری اسلامی را شعار می‌دهد. سلفی‌گری عنوانی است برای اینکه آن‌ها بخواهند راه‌حلی برای مشکلات اساسی جهان اسلام ارائه دهند نه اینکه گذشته‌گرایی صرف باشد. به دلیل آنکه تا قرن چهارم، تمدن اسلامی نمود بسیار پررنگی داشته است اما از قرن چهارم به بعد مسلمانان رو به انحطاط رفتند.

بنابراین خاطره خوش روند فزاینده و رو به رشد اسلام در قرون پیشین، موجب می شود برخی از افراد تحصیل کرده که مطالعاتی نیز در این زمینه داشته‌اند، فریب شعار سلفی‌گری و بازگشت به آن دوران و پیشرفت را بخورند و بعد هم پشیمان شوند (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴).

توماس فریدمن در یادداشتی که مدتی پیش در نیویورک تایمز نوشته بود با اشاره به سفر خود به کردستان عراق و صحبت با مقامات آنجا می‌نویسد: داعش به این دلیل برای برخی گروه‌ها و قبایل جذابیت دارد که بازگشت به دوره طلایی اسلام را نوید می‌دهد.^۴

۲. ادعای ارائه اسلام اصیل

هر چند آبراهامز کارشناس تروریست معتقد است افرادی که به گروه‌های تروریستی مانند داعش ملحق می‌شوند، اغلب افرادی هستند که اطلاعاتی از مذهب ندارند (Paulin and Schmidt, 2014:4) ولی یکی از مهم‌ترین شعارها و جاذبه‌های داعش دست‌یافتن به اسلام اصیل است. اگرچه برخی از اروپاییان به دلیل محدودیت‌های دینی در اروپا به داعش می‌پیوندند تا به آزادی در اجرای مناسک دینی دست پیدا کنند؛ ولی مسلمانانی که از کشورهای اسلامی به داعش می‌پیوندند چنین بهانه‌ای ندارند؛ زیرا آن‌ها در کشور خودشان از آزادی اجرای مناسک دینی برخوردارند. در اینجا این سوال پیش می‌آید که آن‌ها چرا به داعش می‌پیوندند. جواب سوال این است که داعش مدعی اجرای اسلام اصیل است؛ همان اسلامی که در صدر اسلام اجرا می‌شد؛ اسلام راستین؛ اسلام سلف صالح. بر این اساس داعش سایر دین‌داری‌ها را رد می‌کند و آن‌ها را نوعی بدعت می‌داند.

۳. داعیه حکومت اسلامی

آنچه داعش را از سایر گروه‌های تکفیری مانند القاعده جدا می‌کند، طرح آن برای تشکیل «امارت اسلامی» است.

۴. <http://www.entekhab.ir/fa/news/178311> (1393/6/5)

تا پیش از داعش و جز برهه‌ای کوتاه در تاریخ در افغانستان، گروه‌های افراطی قادر به تشکیل حکومت نبوده و بیشتر به صورت جنگجویانی بی‌سرزمین بودند که دائم در حال فرار و جابه‌جایی به سر می‌بردند. حتی طالبان در افغانستان نیز ادعای خلافت نداشتند و تنها به فکر حکومت در افغانستان بودند. اما داعش این فرصت را برای جوانان افراطی مهیا کرد تا منطقه‌ای را به‌عنوان محل حکومت اسلامی به وجود آورند و تا به امروز آن را حفظ کنند که همین حفظ حکومت باعث جذب جوانان بسیاری از اقصی نقاط دنیا شده است.

از این جاذبه داعش می‌توان به «یوتوپای اسلامی» نیز تعبیر کرد. داشتن سرزمین، ملت، ثروت و دولت که از ابزارهای حکومت است می‌تواند تجسمی از سرزمینی رویایی با حکومتی دل‌خواه باشد که در آن ضمن پیاده‌کردن احکام اسلامی، از ظلم حاکمان کشورهای اسلامی و تبعیض در سرزمین‌های غیراسلامی خبری نیست (تاجیک و عالیشاهی، ۱۳۹۳: ۲۶۰ و ۲۶۱؛ غفاری هشیجین و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۷).

۴. ضعف ایدئولوژیک غرب و جاذبه ایدئولوژیک داعش

آنچه داعش و قاتلان خشونت‌گرای آن به جوانان مسلمان اروپایی پیشنهاد می‌کنند، همان چیزی است که دموکراسی‌های لیبرال غربی با تأکید بر شناخت فردی و راحتی مالی، توانایی ارائه آن را ندارند: فرصت بخشی از یک ایدئولوژی بودن که بتواند به زندگی یک فرد معنا دهد.

داعش با ادراک یک‌جانبه از ارتداد و احیای خلیفه و ترکیبی دیوانه‌کننده از کشتار و ایجاد کشور، همه خواسته‌های این افراد را فراهم می‌آورد. همین تصورات و تفکرات و تلاش برای رسیدن به مفهومی بزرگ‌تر از زندگی است که قلب جوانان اروپایی را برای پیوستن به داعش به صدا در می‌آورد؛ این‌ها تفکراتی هستند که جوانان اروپایی با اشتیاق خود را برای آن‌ها فدا می‌کنند (Taylor, Adam 2014, 1-4).

نشریه گلوبال پست نوشت: ناتوانی دموکراسی‌های غربی باعث جذب جوانان اروپایی است. این نشریه در ادامه نوشته است: اگر دموکراسی‌های غربی واقعا در تلاش

هستند از جذب شدن جوانان به سمت داعش جلوگیری کنند، در تفکرات ارتودکسی صلح اقتصادی و عقاید سکولار درباره اینکه راحتی فیزیکی و فرصت‌های اقتصادی راه حلی برای همه نارضایتی‌های اجتماعی هستند، باید تجدید نظر کنند.^۵

۵. علل و جاذبه‌های مالی

اقتصاد داعش به‌عنوان ثروتمندترین شبکه تروریستی، مبتنی بر یک نظام مالی پیچیده است و بر راهبردهای مالی متنوع برای مدیریت شبکه‌های دوردست خود اتکا دارد. در اواسط سال ۲۰۱۴ برآوردها از درآمد داعش حدود ۳ میلیارد دلار در روز بوده و دارایی‌های آن نیز بین ۱/۳ و ۲ میلیون دلار برآورد شده است. برخلاف دیگر گروه‌های تروریستی مانند القاعده که به موسسه غیردولتی و اهداکنندگان خیریه وابسته بودند، داعش منابع مالی خود را از طریق فساد و فعالیت‌های جنایی مانند قاچاق و غارت تامین می‌کند (Cauderwood, 2014).

درآمد داعش از فروش نفت عراق و سوریه بین ۳۰ هزار و ۸۰ هزار بشکه در روز برآورد شده است (Barrett, 2014: 47) که درآمدی بین ۲ تا ۴ میلیون دلار را برای داعش به‌دنبال دارد. از این جهت حمله هوایی روسیه به مواضع نفتی داعش، ناپایداری این منبع درآمد را در درازمدت نشان می‌دهد. داعش در عراق بیش از ۴۰ درصد تولید گندم را در سال ۲۰۱۴ تحت کنترل داشته است. درآمد داعش از اخاذی از بانک، اقدامات جنایی مانند تصرف ۴۳۰ میلیون دلار از بانک مرکزی موصل و سایر نهادهای مالی تحت کنترل، غارت و چپاول، مالیات تحمیلی از مردم، حدود ۷۲۰ دلار جزیه از غیرمسلمانان، باج‌گیری به‌ویژه از رانندگان وسایل نقلیه، آدم‌ربایی، فروش آثار باستانی و شیوه‌های دیگر به‌دست آمده است (Levitt, 2014; Benjamin, 2009: 436-440).

پژوهش‌هایی درباره منابع مالی داعش و تحلیل آن انجام شده (رک: محروق، ۱۳۹۴: ۱۱۹ تا ۱۵۴) و بر اساس آن جاذبه مالی یکی از جاذبه‌های پیوستن به داعش مطرح شده است. با توجه به مسائل اقتصادی در جهان اسلام و خاورمیانه، این موضوع در مورد

۵. <http://www.yjc.ir/fa/news/5254335> (1394/4/15)

جنگجویانی که از کشورهای اسلامی به داعش پیوسته‌اند پذیرفتنی است ولی در مورد جوانان غربی چنین نظری بعید به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر هرچند انگیزه مالی یکی از انگیزه‌های پیوستن به داعش است ولی با توجه به اینکه بسیاری از جوانان غربی که به داعش می‌پیوندند از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردارند، به صرف این عامل نمی‌توان توضیح واقع‌بینانه و دقیقی ارائه کرد (Mokhefi, 2015:219). البته در این مورد نیز برخی جاذبه‌های مالی را مهم و اثرگذار می‌دانند (Machaidze, 2015:7 and 8).

بیشتر مردم تحت نظارت داعش، فقیر هستند و بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌ای، جذابیت خوبی برای این دسته از مردم دارد. از این رو بسیاری از مردم با پیوستن به داعش شانس جابه‌جایی طبقاتی را کسب کردند و این مسئله در حرکت داوطلبانه به سوی داعش تأثیرگذار بود. حتی برخی جاذبه مالی را از سایر علل مهم‌تر می‌دانند.

ماجد غماس، رئیس دفتر مجلس اعلاهی اسلامی عراق، می‌گوید عوامل مادی در جذب نیروهای داعش بسیار موثر بوده است. ماجد غماس در خصوص وضعیت پرداختی‌های داعش به نیروهایش می‌گوید: البته طبیعی است که نمی‌توان عدد دقیقی در این رابطه گفت و اطلاع موثقی از آن در دست نیست؛ اما آنچه منتشر و شایع شده حاکی از این است که این گروه برای نیروهای عراقی خود ماهانه ۷۰۰ دلار و برای اعضای غیرعراقی‌اش ۱۲۰۰ دلار پرداخت می‌کند.

این سیاست‌مدار عراقی همچنین با اشاره به تأثیرگذاری عوامل اقتصادی در جذب نیروی داعش می‌افزاید: با توجه به اوضاع بحرانی اقتصادی در جهان عرب طبیعی است که این مبالغ برای شهروندان کشورهای مختلف عربی به‌ویژه آن‌ها که مشکلات اقتصادی جدی‌تری دارند، جذاب است. به‌ویژه که این گروه از خانواده مبارزان خود هم حمایت می‌کند و پشتیبانی مالی از آن‌ها ادامه دارد.^۶

هادی محمد در کتاب «در رقه بودم» می‌گوید: در مناطق تحت تصرف داعش، ارزهای مختلفی ردوبدل می‌شد، اما دلار آمریکا رایج‌ترین آن‌ها بود. داعش حقوق

۶. [http://www.yjc.ir/fa/news/5254335\(1394/4/15\)](http://www.yjc.ir/fa/news/5254335(1394/4/15))

عناصر خود را به دلار می‌داد و خرید و فروش‌ها و معاملات کلان و عمده با دلار صورت می‌گرفت. داعش به جنگجویان خود با شرط تامین خوردوخوراک و مسکن ماهانه بیش از ۵۰ دلار و به هر کودک خانواده ماهانه بیش از ۳۵ دلار پرداخت می‌کرد که البته این مبلغ بعدها با سقوط برخی شهرها و مناطق در تصرف داعش کاهش یافت.^۷

۶. علل و جاذبه‌های روانی هیجانی

الف) شکست‌ها و مشکلات روحی روانی

مطالعات بسیاری نشان داده است که اغلب افرادی که به گروه‌های تروریستی تکفیری ملحق می‌شوند، افرادی هستند که در زندگی با شکست مواجه شده و به بن بست رسیده‌اند. افرادی با شخصیتی سرخورده که برای فرار از این ناکامی‌ها و شکست‌ها و سرخوردگی‌ها به مقوله‌هایی همچون جهاد و مبارزه در قالب افراطی و تندرو روی می‌آورند که در مکتب سلفی‌های تکفیری نمود پیدا می‌کند.^۸

وجود مشکلات و نابسامانی‌های روحی و روانی در افراد داعش سبب شده است که برخی جذب افراد به داعش را با نظریه جامعه بی‌طبقه تحلیل کنند. در این دیدگاه به ابعاد اجتماعی این نابسامانی‌ها نیز توجه شده است تا مشخص شود افرادی که جذب داعش می‌شوند از نظر اجتماعی نیز افرادی بی‌هویت و غیرتاثیرگذار و رانده‌شده هستند.

بر اساس این نظریه در واقع هدف جنبش‌های توتالیتر سازمان‌دادن توده‌هاست نه سازمان‌دادن طبقات. در هر کجا که توده‌هایی وجود داشته باشند، شکل‌گیری جنبش‌های توتالیتر امکان‌پذیر است. این توده‌ها بر اثر آگاهی از یک مصلحت مشترک، گرد هم نمی‌آیند. آن‌ها فاقد آن احساس تمایز طبقاتی ویژه‌ای هستند که در هدف‌های معین و محدود و دسترسی‌پذیر بیان می‌شود (رک: هانا آرنست، ۱۳۶۶: ۴۲ و ۴۳ و ۵۳ و

۷. [https://www.mashreghnews.ir/news/767811\(1396/6/7\)](https://www.mashreghnews.ir/news/767811(1396/6/7))

۸. [http://www.mashreghnews.ir/fa/news/36.422\(1393/8/16\)](http://www.mashreghnews.ir/fa/news/36.422(1393/8/16))

۶۵ و ۸۱ و ۹۷ و ۱۱۷).

اصطلاح توده‌ها به آن مردمی اطلاق می‌شود که از لحاظ ماهیت چیزی بیشتر از انسان‌های بی‌هویت و بی‌تفاوت نیستند. ویژگی اصلی انسان توده‌ای نه سنگ‌دلی و نه واپس‌گرایی است، بلکه انزوا و نداشتن روابط اجتماعی بهنجار است. به عبارت دیگر، ناکامی در زندگی شغلی و اجتماعی و گمراهی و بدبختی در زندگی شخصی مشخصات انسان توده‌ای است. انسان توده‌ای «انسان محکوم» است؛ انسانی که از هرگونه منافع شخصی، علایق، احساسات، وابستگی، دارایی و حتی یک نام از آن خودش محروم است؛ طعم بینوایی بیشتری چشیده و سرگردانی‌های بیشتری کشیده است؛ انسانی که هرگونه پیوند اجتماعی با خانواده و دوستان و آشنایانش بریده شده است و فقط از طریق تعلق به یک جنبش، احساس می‌کند در این دنیا جایی دارد (رک: نبوی و نجات: ۱۵۱).

انسان توده‌ای، انسانی است که از مدرنیت ناراضی است. از نظر او همه چیز جعلی و دروغین است. او آرزوی ویرانی سراسری این جهان دارای امنیت جعلی و فرهنگ جعلی و زندگی جعلی را در سر می‌پروراند و خواستار نابودی بی‌ترحم و هرج‌ومرج و ویرانی مطلق ارزش‌های والای جامعه است (Akil and Religion, 2015:63).

در گذشته عملیات تروریستی، فقط از میان برداشتن برخی از شخصیت‌های برجسته‌ای بود که به خاطر خط‌مشی‌شان نماد ستمگری شده بودند، اما اکنون دیگر چنین برداشت‌هایی از تروریسم مطرح نیست آنچه برای این نسل سخت‌جاذبه دارد تروریسمی است که به گونه یک نوع فلسفه سیاسی درآمده است؛ فلسفه‌ای که ناامیدی، خشم، بیزاری و کوری را بیان می‌کند و بیانگر یک نوع اظهار وجود سیاسی است که در آن از اوباش استفاده می‌شود؛ فلسفه‌ای که با شوق و ذوق در جست‌وجوی اشتهار به اعمال پرآوازه است و اراده کرده است حتی به بهای جان خویش، وجود خود را بر قشرهای بهنجار جامعه تحمیل کند. انسان‌های توده‌ای کسانی هستند که طرد شده‌اند و می‌خواهند به‌زور

حق خود را بگیرند.^۹

ب) هویت بخشی

انسان‌ها نسبت به هویت وجودی خود بی تفاوت نیستند. رویکرد و نقش داعش در این زمینه هم سلبی و هم ایجابی بود. آنان تفکرات پان‌عربیسم ناصر را بدون نام و ایدئولوژی ناصریسم در پیش گرفتند و از سرکوبی هویت اسلامی و دینی در مواجهه با غرب و ایدئولوژی‌های مدرن بیشترین بهره را جستند. بسیاری از هواداران داعش در غرب دچار نوعی گم‌شدگی هویتی بودند و به دنبال احیای هویت قبلی خود به داعش پیوستند به عبارت دیگر حرکت از جامعه بی‌رنگ و بی‌بو و متمیزه شده به سوی سرزمین و هویت اصلی و مادر.

درک کشش پرجاذبه افراط‌گرایی داعش، پیش‌نیازی است برای ساخت ضدروایتی متناسب با حساسیت‌های روان‌شناسانه. برای مثال، کشش به میانه‌روی و زندگی سرشار از دست‌وپازدن‌های بردبارانه، به نظر برای به دست آوردن ذهن و دل جهادپرستان‌ها چندان مناسب نیست. فریبندگی جنگ باید با فریبندگی دیگری رودررو شود؛ جذبه دیگری باید جایگزین جذبه شهادت شود، کشش‌رانه‌های ابتدایی باید به سبک ورزش رزمی جوجیتسو به سوی خشونت دشمن هدایت شود و به‌شکلی روان‌شناسانه ورق را علیه داعش برگرداند.

برای مثال می‌توان مردان جوانی را که در برابر جاذبه ایدئولوژی افراط‌گرا آسیب‌پذیرند، تشویق کرد تا در برابر هتک حرمت شدن مذهب‌شان بجنگند و به آن‌ها وعده داد که با شکست دادن شری اهریمنی که ایمان‌شان را لکه‌دار می‌کند، در تاریخ ثبت خواهند شد. رسانه‌های اجتماعی باید از افتخاری که در ایستادن در برابر شر هست سخن بگویند و به تشویق شجاعتی بپردازند که خطر را به جان می‌خورد و قراردادهای را زیر پا می‌گذارد. این پیام نباید کم‌جان باشد، بلکه باید روشن و پررنگ ادا شود.

علاوه بر جوانان کم‌سواد و فقیری که نقش سیاهی لشکر این گروه را بازی می‌کنند،

۹. [http://sharghdaily.ir/News/74331\(1394/7/5\)](http://sharghdaily.ir/News/74331(1394/7/5))

مسلمانان متخصص و زبده در همه‌جای دنیا نیز مدنظر رهبران داعش بوده‌اند. برای جذب این افراد که نه انگیزه‌های مالی اثرگذار است و نه جنسی، عنصر هویتی عقیدتی به‌کار می‌آید. این افراد که نخبگان جوامع خود به‌شمار می‌روند عمدتاً از رفتار با مسلمانان در کشورهای غربی و یا وضعیت مسلمانان و سرکوب آن‌ها در کشورهای خاورمیانه ناخشنود بوده و به داعش می‌پیوندند تا آنچه را ظلم به مسلمانان در دنیا و خاورمیانه می‌دانند اصلاح کنند (Byman and ; Sheikh, Naveed, 2015:42) Shapiro, 2014:2.

ج) ارضای میل ماجراجویی

شیوه نوین در جنگ‌های پارتیزانی (شبیخون‌های شبانه، شیوه‌های جدید در ازبین بردن دشمن، استفاده از طبیعت و محیط محل درگیری همچون سدها و مخازن نفت و گاز، مجهز کردن زمین به تله‌های انفجاری قدرتمند و البته دست‌ساز)، استفاده از تجهیزات پیشرفته، استفاده از خودروهای سبک و چالاک به‌جای تانک‌ها و نفربرهای کند و دست و پاگیر و تجهیزات انفرادی متفاوت مانند چاقوهای بزرگ و تفنگ‌های تک‌تیرانداز، مجموعه‌ای جذاب و جوان‌پسند را در مقابل دیدگان جنگجویان تازه وارد قرار داده که جنگ در کنار کهنه‌جنگجویان چچنی، لیبیایی، افغان و عرب را نیز به‌عنوان یک افتخار برای آن‌ها به‌شمار آورد. کهنه‌جنگجویانی که در کارنامه خود جنگ‌های کوزوو، بوسنی، افغانستان، لیبی و عراق و جنگیدن همراه بن‌لادن و ابومصعب زرقاوی را دارند. در واقع در افراد پیوسته با داعش افرادی را می‌یابیم که نه مشکل فقر دارند و نه ابعاد دینی اصلاح‌گرایانه. این افراد از محیط زندگی‌شان خسته شده‌اند و گویی به‌دنبال نوعی تنوع هستند. (Peresin 2015:28)

هورگان، روان‌شناس مرکز مطالعات امنیتی و تروریسم دانشگاه ماساچوست معتقد است: داعش از جذابیتی واقعی در جهان برخوردار است که از این نظر پدیده جدیدی محسوب می‌شود. هورگان یکی از چند روان‌شناسی است که بیش از ۲۰ سال روی اذهان تروریست‌ها مطالعه کرده است. او پس از دیدن پیام ویدئویی یکی از اعضای

داعش به نام آندره پاولین ۲۴ ساله از کانادا، اذعان داشت که در این مدت، با پیام یک عضو سازمان تروریستی برخورد نکرده است که تا این حد جذاب و گیرا باشد. به عقیده هورگان این یک سازمان فرصت برابر است. این پیام همه چیز دارد از جامعه-ستیزی آزادگرایانه تا وادار کردن به انسان دوستی غیرواقع گرایانه. در واقع افراد از این طریق و به وسیله نیاز به متعلق بودن به چیز پرمعنا، وجود و شخصیت پیدا می کنند (Paulin and Schmidt, 2014: 2 and 3).

پایگاه اینترنتی «العریبه» با انتشار یک گزارش خبری، مهم ترین عامل جذب در گروهک تروریستی داعش را به نقل از جان هورگان، به مسائل جنسی و ماجراجویی مرتبط دانست.^{۱۰}

د) ترس

یکی از علل پیوستن مردم به داعش در عراق، ترس مردم از این گروه و برخورد خشن آن‌ها با مخالفان خود است. اساساً سیستم رهبری در داعش سیستمی غیرمردمی و مبتنی بر اعمال روش‌ها و فتاوی خشن و یک جانبه است که مجال را برای مخالفان باقی نمی گذارد و به راحتی آن‌ها را از سر راه برمی دارد.

رهبران رده اول داعش در عراق در رفتار خود خشونت و شدت دارند و عده کمی از آنان در امور واقعی، درک فقهی و استنتاج منطقی فقهی دارند. این امر به صورت کلی ناشی از تأثیری است که تکفیری‌ها در ابتدای شروع دین آموزی خود از تفکرات جهادی (در انتقام از جامعه) پذیرفته اند و هدف از این افکار ایجاد شخصیت ستیزه جو در این اشخاص بوده است (ناجی، ۲۰۱۵: ۶۸).

بسیاری از اعضای داعش رهبران خود را قبول ندارند؛ ولی به دلیل تهدید و ترغیب دینی و در برخی مواقع سرکوب، به بیعت با امیر داعش تن داده اند (الهاشمی، ۲۰۱۴: ۲۰۳).

سیاست رهبران داعش، گوش نسپردن به سخنان گروه‌ها و شاخه‌های دیگر و

۱۰. [http://kheybaronline.ir/fa/news/40898\(1393/9/9\)](http://kheybaronline.ir/fa/news/40898(1393/9/9))

شکایات و مسائل مردم و علمای سلفی جهادی می‌باشد که می‌کوشند تا اصلاح کنند و هر کسی که غیر از آنان باشد، متهم به تشویق به تمرد و عصیان می‌باشد (نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۹۸).

ه) انتقام‌گیری از غرب

بسیاری از کسانی که از اروپا و آمریکا جذب داعش شده‌اند، فرزندان مسلمانانی هستند که سال‌ها پیش به آمریکا و اروپا مهاجرت کرده‌اند ولی در آنجا برخورد خوبی با آن‌ها نشده است. آن‌ها شهروند درجه ۲ محسوب شده‌اند و همواره از تبعیض و برخوردهای بد سیاسی و اجتماعی رنج برده‌اند. این شرایط سبب شده است نوعی عقده حقارت از دوران کودکی در میان این افراد درونی شود. در نتیجه هنگامی که آن‌ها با گروه خشنی مانند داعش مواجه می‌شوند که شعار انتقام مسلمانان از غرب را می‌دهد، جذب آن می‌شوند تا عقده حقارت که نسبت به فرهنگ غرب و رفتار آنان دارند، گشایش یابد (Azinovi and Muhamed, 2015: 42; Bianchi, 2015: 73).

مورتن استورم که یک مامور اطلاعاتی است و پیشنهاد دیدار با اسامه بن لادن را داشته است، در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی گفت: «مردان جوان رادیکال را درک می‌کنم. آن‌ها با دولت و سیاست خارجی ما مشکل دارند و هیچ عدالتی را نمی‌بینند»^{۱۱}. پیوستن جوانان اروپایی به داعش را به دلیل انتقام‌گیری از غرب، با نظریه شرق شناسی ادوارد سعید نیز می‌توان تحلیل کرد. بر اساس این نظریه، غرب با دیدی فرادستانه به شرق نگاه می‌کند و غرب در جریان شرق‌شناسی به نوعی شرق را تحقیر کرد و هویتی ساختگی برای او طراحی نمود که در آن توانایی‌ها و امکانات و ارزش‌های شرق نادیده گرفته شده بود تا همواره بتواند هژمونی خود را بر شرق تحمیل کند (رک: خالد سعید، ۱۳۹۱؛ عامدی، ۱۳۹۰).

مشاهده رشد فزاینده تمدن اسلامی در شرق و گسترش آن در غرب از قرن ششم میلادی به بعد و افول غرب در بین قرن‌های ۱۳ تا ۱۶ میلادی زنگ خطری بود که

۱۱. [http://www.yjc.ir/fa/news/5254335\(1394/4/15\)](http://www.yjc.ir/fa/news/5254335(1394/4/15))

غربیان را متوجه جهانی شدن تمدن اسلامی مشرق زمین نمود. به‌ناچار جهت شناخت این تمدن شرقی و مبارزه با آن و اقتباس از جلوه‌ها و دستاوردهای منتقل‌شونده آن به غرب نهضتی پژوهشی آغاز کردند که نام استشراق به‌خود گرفت.

هژمونی تمدنی اسلام بر غرب سبب شد که غربیان هیچ‌گاه خاطره خوشی از اسلام نداشته باشند و به آن تمایل نداشته باشند و با دستاویز استشراق، اسلام را مانع ترقی و پیشرفت خود بدانند و در یک انتقام‌جویی تاریخی روابط استعماری را بر جهان اسلام تحمیل کنند (رک: ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۱۱۲ و ۱۳۹).

گرچه ظاهراً کلمه استشراق و خاورشناسی دارای یک صبغه علمی است ولی واقعیت آن است که استشراق یک جریان اجتماعی و عقیدتی و سیاسی همراه با یک جهت‌گیری خاص مکتبی است. در دهه‌های اخیر این واژه نزد شرقیان به ویژه مسلمانان عرب (رک: عبدالمنعم، ۱۴۰۹ق؛ زهرالدین، ۱۴۱۳ق؛ نوزی، ۱۹۹۸؛ فیومی، ۱۴۱۳ق) دارای مفهوم منفی آلوده به خیانت و توطئه و جاسوسی و منفور آنان شده و معادل استعمار گشته است.

شرق بی‌گمان در مقایسه با اروپا «دیگری» به‌شمار می‌رفت. «دیگری» با مرزهای کاملاً روشن جغرافیایی و فرهنگی که حتی وجود فرهنگی جغرافیایی اروپایی مسیحی را تهدید نمی‌کرد (رک: عارف، ۱۴۱۲ق: ۱۱۷). ولی از همان آغاز که غرب کوشید هویتی مشخص برای خویش پردازش کند، تعریف شرق به‌مثابه «دیگری» ضرورت یافت. بدین‌سان غرب، آغاز به غیریت‌سازی شرق کرد و شرق‌شناسی نیز گفتمانی در خدمت این غیریت‌سازی بود. شرق‌شناسی به هدف هویت‌سازی برای اروپا در برابر دیگرها انجام شد (رک: ولایتی، ۱۳۸۷: ۱۰۶۷).

اگر شرق‌شناسی به‌مثابه یک گفتمان بررسی نشود هیچ‌گاه نخواهیم توانست آن شاخه‌های بسیار منظمی را درک کنیم که از طریق آن‌ها غرب و فرهنگ غربی توانست در حوزه‌های سیاسی، جامعه‌شناختی، عقیدتی، علمی و... شرق را بازشناسی و حتی بازآفرینی کند و آن را از نو به‌مثابه یک موضوع، بازاندیشی کند (ولایتی، ۱۳۸۷: ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸).

به این ترتیب شرق‌شناسی «گفتمانی» «غربی»، «غیریت‌ساز» و با هدف «هویت بخشی» به غرب است که از طریق تقابل آن با شرق؛ یعنی براساس «تفاوت»، «تمایز» و نیز «فاصله گرفتن» از آن تعریف می‌شود (دسوقی، ۱۳۷۶).

این نگرش شرق‌شناسانه فقط در مورد مسلمانانی نیست که در شرق بودند؛ بلکه مسلمانانی که در غرب زندگی می‌کنند نیز چنین موقعیتی دارند و غرب آن‌ها را با این رویکرد می‌نگرد. در این نگرش مسلمانان به نوعی در غرب تحقیر می‌شوند.

به عبارت دیگر ما شاهد وضعیت درحاشیه‌بودن مسلمانان در برخی از کشورهای اروپایی هستیم. تحقیقاتی که خود غربی‌ها نیز درباره افراد پیوسته به داعش ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده وجود برخی عقده‌ها و انزوا به جامعه اروپایی در این افراد است (باخوان، ۱۳۹۳: ۳).

و) بحران هویتی در غرب و جست‌وجو برای مدل جایگزین

مشکل بسیاری از جوانانی را که به داعش می‌پیوندند، نمی‌توان فقر دانست یا گفت به دلیل نداشتن جایگاه مناسب و بدرفتاری غرب با آن‌ها، در صدد انتقام از غرب بوده‌اند. دلیل جذابیت داعش برای آن‌ها، کمک‌کردن برای فراموشی فقرشان نیست، بلکه جذابیت داعش، پیشنهاد یک جایگزین جذاب و معنادار در مقابل زندگی، برای رفاه مادی و امنیت اقتصادی است. به عبارت دیگر غرب نتوانسته است برای آن‌ها گفتمان جالب و معناداری ایجاد کند که آن‌ها را ارضا کند؛ لذا آن‌ها جذب داعش می‌شوند. البته این به معنای آن نیست که داعش از مطلوبیت گفتمانی برخوردار است، بلکه داعش یک جنس تقلبی است که خوب تبلیغ می‌شود. داعش بهشت را به جوانان وعده می‌دهد و از جهت دیگر به حس ماجراجویی آن‌ها پاسخ می‌دهد؛ چیزی که در محیط بی‌روح و محتاطانه و رفاه امنیت‌گرای غرب برای آن‌ها تأمین نمی‌شود (Malet, 2010: 110)

(International Crisis Group, 2015: 2)

از این جهت برخی یکی از دلایل مهم پیوستن جوانان اروپایی به داعش را در بحران معنا در غرب جست‌وجو می‌کنند. وجود بحران معنا، گسترش مادی‌گرایی، توجه به

دنیا، رفاه و توسعه سکولاریسم باعث شده است که شاهد یک بحران معنا باشیم. این بحران معنا باعث جذابیت یا تبلیغ برخی ایدئولوژی‌ها برای این افراد می‌شود. بر این اساس این تفکر که بهبود شرایط اجتماعی و مالی در مناطق مسلمان‌نشین غرب اروپا، بر پیوستن افراد جدید به داعش تأثیر می‌گذارد، نظر دقیقی نیست-15 (Burke, 2015: 21-23; Witular, 2014: 17).

ز) دست‌یابی به آزادی دینی

مسلمانان در غرب در اقلیت هستند. یعنی اگر از حیث مباحث دینی یا حتی مباحث اجتماعی یا با رویکرد جامعه‌شناسانه به آن نگاه کنیم، این‌ها افرادی هستند که از نظر اعتقادی در حاشیه یک جامعه مسیحی قرار دارند که طبیعتاً سکولار هم هست. ابراز وجود در عرصه باورهای مذهبی برای این جامعه مشکل است و حتی به این باورها به خصوص در فرانسه توهین می‌شود، با سمبل‌هایش مخالفت می‌شود مثل ممنوعیت حجاب و به پیامبرش توهین می‌شود. اینها سبب حرکت‌هایی می‌شود، این حرکت‌ها ممکن است انتقال‌گیرنده یا خشن یا حتی منطقی باشد. یعنی ممکن است مسلمانان به روش‌های مختلفی به این وضعیت عکس‌العمل نشان دهند. اما این جوانان وقتی به داعش جذب می‌شوند همه این مشکلاتشان حل می‌شود. داعش آن‌ها را می‌پذیرد و در یک کل بزرگ هضم می‌شوند؛ یعنی جذبی که در یک توده اتفاق خواهد افتاد؛ به عبارتی از این اقلیت و فردگرایی به یک جمع بزرگتر می‌پیوندند. این جمع بزرگتر معنا ایجاد می‌کند، فرصت ایجاد می‌کند و هویت می‌دهد (Al-Qarawee, 2015: 15).

در سال ۲۰۱۴ «فاکس نیوز» فیلمی ۵۰ دقیقه‌ای را درباره داعش تولید کرد و موضوع آن زندگی داخل شهر «رقه» بود که داعش مدعی است پایتخت امارت اسلامی این گروه است. او تلاش کرد در این فیلم نشان دهد که داعش در این شهر تمام احکام شریعت اسلامی را به‌اجرا می‌گذارد و همه از این امر راضی و خرسند هستند^{۱۲} چنانکه جاذبه مالی برای کسانی که از غرب به داعش می‌پیوندند کمتر مطرح است،

جاذبه آزادی دینی نیز برای کسانی که از کشورهای اسلامی به داعش می‌پیوندند کمتر مطرح می‌شود؛ زیرا در کشورهای اسلامی امکان اجرای تعالیم و مناسک دینی به راحتی ممکن است.

۷. جاذبه‌های جنسی

از آنجا که اکثر جنگجویان و هواداران داعش جوانان هستند، ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی آنان در اولویت‌های داعش قرار گرفت. مسئله جنسی تابوهایی دارد که باید با مشروعیت‌های شرعی و یا عرفی آن تابوها را شکست. داعش از مذهب برای رفع آن تابوها استفاده کرد و مذهب و امیال غریزی را بسیار وقیحانه به هم پیوند زد تا بتواند گستره وسیعی از جوانان را به سوی خود فراخواند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد، این عامل بیش از هر عامل دیگری در جذب عناصر تروریستی خارجی تأثیر داشته است؛ زیرا به راحتی به خواسته‌های شهوانی و جسمانی آن‌ها در تعرض و تجاوز به زنان، ماهیت و قالبی مشروع می‌بخشد.

جهاد نکاح (جهاد المناکحه) اشاره به رابطه جنسی بانوانی دارد که برای رفع نیازهای جنسی مردان جهادی اقدام می‌کنند. جهاد نکاح اولین بار با فتوای شیخ محمد عریفی در صفحه توئیترش مطرح شد ولی او با بیان اینکه این فتوا از انسان عاقل صادر نمی‌شود و صفحه توئیترش هک شده است، آن را تکذیب کرد (فتوای روحانی وهابی). البته برخی این تکذیب را رد کردند و صدور این فتوا را از او دانستند.

عریفی این فتوای خود را به معاویه نسبت داده و گفته است: «در جنگ صفین، مشاور اسلام عمرین عاص، این پیشنهاد را به دایی ما معاویه داد، دایی ما شخصاً دستور داد که زنان شوهردار و بلکه تمامی زنان، برای جهاد به صفین بیایند، تا که بتوانند به سربازان اسلام کمک کنند».^{۱۳}

در حالی که العریفی پس از جنجال به پاشده فتوای خود را پس گرفت، کسانی که این فتوا موجب خرسندی آنان شده و به آن عمل می‌کنند، به حرام شدن آن متقاعد

نشوند و هنوز هم برخی از مفتی‌های کینه‌توز همچون «شیخ خباب مروان الحمد» و «ناصر العمر» افکار سلفی و وهابی خود را به تروریست‌های سوریه القا می‌کنند.

ناصر العمر در اظهارات خود که شبکه وصال از شبکه‌های وابسته به جنبش‌های افراطی آن را پخش کرد افزود: مجاهدین در سوریه می‌توانند در غیاب زنان مجاهد نامحرم با محارم خود ازدواج کنند. او اعلام کرد اگر دسترسی به نامحرم آسان نباشد، مجاهدین می‌توانند با محارم و خواهران خود «عقد نکاح» داشته باشند. پیش از این او از اسارت زنان شیعی و توزیع آن‌ها بین مجاهدین سخن گفته بود.^{۱۴}

پس از صدور این فتوا جهاد با محارم به شکل وسیعی از سوی جبهه النصره اجرا شد. بر اساس برخی گزارش‌ها، در تعدادی از مناطق تحت تسلط تروریست‌ها، این افراد مرتکب جنایات و رسوایی‌های بسیاری با خواهران و مادران خود شده‌اند به نحوی که هیچ‌کس آن را باور نمی‌کند؛ دلیل آن‌ها این است که بیشتر زنان جهاد نکاح از این مناطق فرار کرده‌اند و با شدت گرفتن جنگ و افزایش قتل و کشتار، دیگر زنی به این مناطق نمی‌آید.^{۱۵}

جهاد نکاح در سوریه به نتایج وحشتناکی علیه بانوان سوری منجر شده است. به نظر «نافی بیلاری» کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، این جهاد باعث وحشت دختران سوری شده است؛ زیرا گروه‌های تروریستی گاهی هتک حرمت‌های خود علیه بانوان را با نام جهاد نکاح انجام می‌دهند.

لطفی بن جدو، وزیر کشور تونس اعلام کرد که برخی از زنان تونسی برای رفع نیازهای جنسی مخالفان مسلح به سوریه می‌روند (Stuart Hunter).

رسانه‌ها اعلام کردند گروه داعش زنانی را که مخالف جهاد نکاح هستند اعدام می‌کند. در همین زمینه در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۴ اعلام شد که داعش ۱۹ زن را که با جهاد نکاح مخالفت کرده بودند، در موصل اعدام کرد.^{۱۶}

۱۴. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/428065> (1394/3/23)

۱۵. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/253058> (۱۳۹۲/۷/۲۰)

۱۶. <http://www.irna.ir> .

روزنامه تونس‌ الشروق در روز ۲۲ سپتامبر مصاحبه‌هایی با تعدادی از دخترانی که از جهاد نکاح برگشته بودند، چاپ کرد. یکی از این دختران، که شرکت در این جهاد را به این خاطر پذیرفته بود که «با پولی که درمی‌آورد برای برادرش کاری دست‌وپا کند»، به این روزنامه گفته است که «برخلاف شایعات موجود، هر دختری با دو یا حداکثر سه نفر در ارتباط است و من پس از بازگشت از سوریه متوجه شدم که برادرم سر کار رفته و مشکلات مالی خانواده‌ام نیز تا حدودی از بین رفته است اما آن‌ها دیگر پذیرای من نیستند».

مفتیان سلفی و تکفیری، فتاوی‌ عجیبی در «جهاد لواط» و «جهاد نکاح» و «نکاح با محارم» صادر کردند که تنها ره‌آورد آن گسترش «فحشا» در این گروه‌ها بود. به جرأت می‌توان گفت، مناسبات و روابط جنسی که به دنبال صدور این فتواها در مناطق تحت تصرف آن‌ها در سوریه شکل گرفت، چنان مناسبات گسترده و عمیقی بود که «انقلاب جنسی» آمریکا از ۴۰ سال پیش تاکنون نتوانسته چنین روابط و مناسباتی را در غرب و آمریکا ایجاد کند.^{۱۷}

داعش از زنان و دختران به‌عنوان دامی برای بسیاری از جوانان عرب و مسلمانی استفاده می‌کند که به دلیل بیکاری و تورم موجود در کشورهاشان ازدواج برای آن‌ها به عقده‌ای بزرگ تبدیل شده است.

به گزارش شبکه سعودی العربیه پس از اشغال موصل، داعش بیش از ۷۰۰ زن را در یک حراج به قیمت ۱۵۰ دلار فروخت تا به‌عنوان کنیز به جنگجویانش خدمت کنند.^{۱۸} تکیه ایدئولوژی جنگی بر مناسبات هیجانی، از جمله روابط آزاد جنسی، به‌همان میزان که برای قدرت هیجانی این نیرو می‌تواند خطرناک باشد، به‌همان میزان نیز قابلیت تبدیل شدن به خشم به‌عنوان وجه دیگر این نیرو را دارد. روان‌شناسان معتقدند خشم و شهوت در صورتی که در جایگاه نامناسب خود مورد استفاده قرار گیرد، دو روی یک

^{۱۷} [http://www.mashreghnews.ir/fa/news/360422\(1393/8/16\)](http://www.mashreghnews.ir/fa/news/360422(1393/8/16))

^{۱۸} [http://www.farsnews.com/newstext.001222\(1393/06/31\)](http://www.farsnews.com/newstext.001222(1393/06/31))

سکه خواهد بود، به عبارتی فوران و طغیان خواسته‌ها و امیال جنسی و پاسخ به آن‌ها از مسیر غیرمجاز در وجه دیگر خود، موجب بروز خشم‌های مهارنشده می‌شود که آن را در قالب ارتکاب به فجیع‌ترین جنایات توسط عناصر تکفیری داعش ملاحظه می‌کنیم.^{۱۹}

۸. جاذبه‌های سیاسی

در بسیاری از کشورهای اسلامی مشکلات متعدد سیاسی و اجتماعی وجود دارد. از این رو همواره در این کشورها گروه‌هایی به‌عنوان منتقد حکومت وجود دارند. معمولاً جوانان نیز که روحیه‌ای پرشور و انتقادی دارند در این گروه‌ها حضوری فعال دارند. داعش به‌خوبی از این فضا استفاده کرده است و با طرح برخی شعارهای جذاب، تلاش کرده است تا مسلمانان منتقد را به خود جذب کند به‌طوری که پیوستن به داعش به‌عنوان نشانه‌ای از انتقاد و اعتراض به وضع موجود تلقی شود. به این ترتیب می‌توان بخشی از جاذبه‌های داعش را در نارضایتی‌های سیاسی دانست.

جفری گولدبرگ در یادداشتی که در آتلانتیک نوشت افزود: محیط نامساعد منطقه و وجود دولت‌های سرکوبگر که فضای تنفس و فعالیت آزادانه را برای فعالیت سیاسی آزادانه سلب کرده‌اند، این کشورها را به برک‌های تبدیل کرده است که با بستن مجراهای شفافیت، آزادی، عدالت، رشد اقتصادی و ... به گنداب تبدیل شده‌اند و حشرات موذی همچون القاعده و داعش از آن تغذیه می‌کنند. وی همچنین در مصاحبه‌ای که با هیلاری کلینتون انجام داد، علت به‌وجود آمدن گروهی مانند داعش را اشتباه دولت آمریکا در برخورد با عراق و سوریه دانسته است. قبایل محروم و فقیر سنی در عراق و سوریه داعش را همچون ارتشی آزادی‌بخش می‌دانند که می‌خواهد دوره طلایی اسلام را بازسازی کند.^{۲۰}

نیروهای تکفیری با توجه به قدرت بسیج روانی و همچنین بهره‌برداری از نارضایتی‌های انباشته شده سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در منطقه، قدرت بسیج

^{۱۹} [http://www.mashreghnews.ir/fa/news/360422\(1393/8/16\)](http://www.mashreghnews.ir/fa/news/360422(1393/8/16))

^{۲۰} [http://fararu.com/fa/news/204162\(1393/6/5\)](http://fararu.com/fa/news/204162(1393/6/5))

اجتماعی بی نظیری حاصل نموده‌اند (بیری، ۱۳۹۳: ۲).

دلیل نارضایتی مردم منطقه خاورمیانه را که سبب جذب آن‌ها به گروه تروریستی داعش شده است این گونه می‌توان توجیه کرد: در نظام جهانی، کشورهای منطقه خاورمیانه به خاطر وجود منابعی غنی، از جمله نفت و گاز، همیشه مورد توجه کشورهای بزرگ صنعتی یا به عبارت دقیق‌تر کشورهای استعمارگر بوده‌اند. در واقع کشورهای خاورمیانه از استعمارزدگی و حضور بیگانگان سابقه‌ای طولانی دارند. این سابقه در منطقه خلیج فارس به ابتدای قرن شانزدهم می‌رسد (ساعی، ۱۳۹۱: ۷۸).

برای مقابله با این تأثیرات فرهنگی بود که نظریات پسااستعماری شکل گرفت و در واقع تلاش برای بیداری و نجات مردم از خود بیگانگی این جوامع، آغاز شد. کشورهای جهان سوم و خصوصاً کشورهای خاورمیانه به لحاظ اعمال سلطه بر خود، فشار مضاعفی تحمل می‌کردند. نظام‌های سیاسی این کشورها اگرچه خود تحت استیلای مستقیم و غیرمستقیم کشورهای استعمارگر بودند ولی با ملت خود کاملاً مستبدانه رفتار می‌کردند. تقاضای سیاسی و غیرسیاسی را در بالاترین حد سرکوب و خنثی می‌کردند.

در چنین شرایطی بود که مخالفت‌های سیاسی شکل رادیکال به خود گرفتند و بسیاری از گروه‌های افراطی تشکیل شدند. منطقه خاورمیانه که پتانسیل بالایی برای شکل‌گیری این گونه از گروه‌های رادیکال را دارد عملاً به عرصه خودنمایی این گروه‌ها تبدیل شده است. نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد این است که همزمان با این مخالفت افراط‌گرایانه از سوی برخی مخالفین، اسلام هم در مقابل شکست سایر گفتمان‌های منطقه به تنها گفتمان سیاسی و فعال تبدیل شده است و به این ترتیب در نتیجه استفاده ابزاری چنین گروه‌های افراطی از دین، گفتمان اسلام به اسلام رادیکالی تبدیل می‌شود. از طرفی به‌طور کلی مردم کشورهای عرب و خصوصاً خاورمیانه، رابطه مبتنی بر عدم اعتماد با حاکمان خود دارند؛ در واقع مردم این کشورها به حکومت‌های خود اعتماد ندارند و به محض بروز خلأ به صحنه قدرت می‌آیند. در میان این مخالفان، گروه‌های اسلامی رادیکال بیش از سایر گروه‌ها آمادگی ابراز حرکت‌های قدرت‌طلبانه را دارند (Barrett, 2014: 6).

در مواجهه عینی با این پدیده، میزان جذب بالای افراد از کشورهای خاورمیانه به این گروه تروریستی را می‌توان نشانی از بی‌اعتمادی و بحران هویت در مردم این کشورها دانست. این وطن‌گریزی و تمایل به ابراز هویت جدید، نتیجه روحیه استعمارزده و طردگرای نظام‌های سیاسی این کشورها است. بسیاری از مردم این مناطق تشنه حکومتی هستند که آن‌ها را از زیر یوغ این سلطه‌گران خارج کند و هویت به‌یغمارفته آن‌ها را احیا کند. مرکز مطالعات سوفان گروپ در نیویورک آمریکا گزارشی منتشر کرد که نتیجه ارائه آمارهای سازمان اطلاعاتی کشورها است. این گزارش تعداد افراد با ملیت‌های گوناگون در گروه تروریستی داعش را اعلام می‌کند. بر اساس این گزارش در میان کشورهای عربی، عربستان سعودی و تونس بیشترین سهم را در بدنه تروریست‌های داعش دارند. بر اساس گزارش سوفان گروپ، شاکله اصلی تروریست‌های فعال در گروه داعش از کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا تشکیل می‌شود (Barrett, 2014: 23).

اسپوزیتو معتقد است اگر چه دین نقش مهمی را در جذب و بسیج کردن اعضا و یا انگیزه‌بخشیدن به آن‌ها ایفا می‌کند، اما مهم‌ترین انگیزه افراد برای پیوستن به این گروه‌ها از فهرست نارضایتی‌ها و اعتراضات آن‌ها ناشی می‌شود: اعتراض به تهاجم نیروهای نظامی خارجی به منطقه و کشتار ده‌ها هزار نفر از شهروندان عراق و سوریه. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که عوامل دیگری مانند خشونت اخلاقی (ناشی از ظلم)، نارضایتی‌های سیاسی، فشارها و جست‌وجو برای یافتن هویتی جدید و حس تعلق و هدفمندی از دیگر عواملی هستند که هزاران جوان را به سوی گروه‌های افراطی همچون داعش سوق می‌دهد (Esposito, 2014: 5).

۹. جاذبه‌های تبلیغاتی رسانه‌ای

یکی از جاذبه‌های داعش، شگرد رسانه‌ای است. داعش حضوری فعال در رسانه‌ها دارد و با به‌اشتراک گذاشتن اخبار و تصاویر و ویدئوهای خود در شبکه‌های اجتماعی دامنه حضور رسانه‌ای خود را گسترش داده است. اهمیت استفاده از تبلیغات و رسانه‌ها

برای داعش به حدی است که در بین هیئت‌های هشت‌گانه اجرایی که زیر نظر شورای داعش فعالیت می‌کنند دو هیئت اطلاع‌رسانی و هیئت رسانه‌ای وجود دارد که اولی به گردآوری اطلاعات می‌پردازد و دومی وظیفه فعالیت رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی را بر عهده دارد.

در میان گروه‌های بنیادگرا و افراطی که معمولاً سر ناسازگاری با دنیای مدرن و مدرنیته دارند، داعش از نظر نگاه به ارتباطات و رسانه‌ها و تبلیغات، یک پدیده خاص و استثنا محسوب می‌شود. آن‌ها با استفاده از این امکان رسانه‌ای و تبلیغاتی موجی از رعب و وحشت را راه‌اندازی می‌کنند و با ایجاد یک فضای روانی به نفع خود، از این فضا برای پیشبرد اهداف نظامی و زمینه‌ای برای تسهیل پیش‌روی و گسترش مناطق تحت سلطه خود استفاده می‌کنند (میلانی، ۱۳۹۳: ۲).

داعش علاوه بر گسترش فضای خشونت‌بار از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، از این رسانه‌ها جهت عضوگیری از سراسر جهان نیز استفاده می‌کند. وجود بیش از ۱۲۰۰۰ مبارز خارجی از ۸۱ کشور دنیا نشان از موفقیت این گروه رادیکال در جذب نیرو و عضوگیری رسانه‌ای دارد (کسرایبی و داوری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۱۹۴، به نقل از Richard, 2014: 6).

داعش سیاست‌های ویژه جذب نیرو را در پیش گرفته و ارتش بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ترویج تفکر، جذب نیرو و پیگیری و انتشار افکار و اخبار به کار گرفت (عطوان، ۲۰۱۵: ۲۰۲).

داعش در ساختار داخلی‌اش، افزون بر نهادهایی همچون شورای نظامی، هیئت‌های شرعی، مجلس شورا و شورای امنیت و اطلاعات از موسسه رسانه‌ای و مطبوعات نیز بهره می‌برد. البغدادی و نمایندگانش در ولایات بر موسسه مطبوعات نظارت دارند. این موسسه به ریاست فردی به نام ابوالاثیر عمرو العبسی می‌باشد و نویسندگان و نیروهای تابع این بخش تحت مدیریت وی کار می‌کنند. بیشتر آنان از سلول‌های خفته و بعضی دیگر از یاران داعش هستند (نظری و السمیری، ۱۳۹۳).

گزارش‌های سازمان ملل متحد حاکی از آن است که گروه‌های تروریستی برای کارهای

زیر از اینترنت استفاده می‌کنند: ۱. تبلیغات که شامل استخدام و رادیکالیزه کردن و تحریک به اقدام تروریستی می‌شود؛ ۲. پشتیبانی مالی؛ ۳. آموزش؛ ۴. طراحی عملیات که شامل ارتباطات سری و تبادل اطلاعات به صورت آشکار و پنهانی می‌شود؛ ۵. اجرای عملیات و حملات سایبری.^{۲۱}

در بین گروه‌های تروریستی، داعش بیش از همه از اینترنت برای رسیدن به اهداف خود سود برده است؛ داعش را می‌توان رسانه‌ای‌ترین گروه تروریستی تاریخ دانست. این گروه در کنار عملیات تروریستی میدانی خود، فعالیت‌های گسترده‌ای را هم در فضای مجازی و پایگاه‌های اینترنتی دارد و تلاش می‌کند که از یک سو به ترویج افکار و اندیشه‌های تروریستی خود بپردازد و از سوی دیگر، از این شبکه‌ها برای جذب عناصر جدید و توسعه تشکیلات خود استفاده کند (Dayan and Chorev and Sofer, 2015: 3). همچنین این گروه تروریستی از فضای مجازی برای ایجاد جنگ روانی و یا موجه جلوه دادن اقدامات خود بهره می‌گیرد به گونه‌ای که در آمریکا حدود 20/4 درصد از نظرها کاربران فیسبوک در مورد داعش مثبت بوده است (Gilmore, 2015). تعداد حساب‌های کاربری حامی داعش در تویتر در اواخر سال 2014 بالغ بر ۵۰ هزار عدد بوده است (Berger and Morgan, 2015).

استفاده گسترده داعش از رسانه‌های اجتماعی که به یمن جهانی شدن آن اتفاق افتاده، باعث شده است که ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع سنتی منطقه که در برخورد با موج ارزش‌ها و هنجارهای غربی با خطر ازهم‌پاشیدگی مواجه است، در جست‌وجوی هویتی جدید مورد توجه قرار گیرد (Nayed, 2015). هویتی که داعش با بازگشت به سلف و اصول نخستین صدر اسلام، فراهم آورده است. این امر که خود حاکی از به‌متن آمدن فرهنگ‌های حاشیه‌ای است، یکی از ویژگی‌های جهانی شدن است

۲۱. United Nations, "The Use of the Internet for Terrorist Purposes", **United Nations Office on Drugs and Crime**, http://www.unodc.org/documents/frontpage/Use_of_Internet_for_Terrorist_Puposes.pdf, Access: March 9, 2015.

(Robertson and Kathleen E, 2003: 224) که باعث شده داعش حتی در جوامع غربی نیز برای خود پیروانی بیابد.

۱۰. جاذبه‌های ساختاری سازمانی

داعش تنها سازمان تکفیری اسلام‌گرا است که از حکومت و خلافت برخوردار بوده و عملاً با ارائه مدل در ساختار سیاسی، نوعی سازمان سیاسی را طراحی و اجرا کرده است و از این جهت خود را در بین سایر نظام‌های سیاسی مطرح نموده و به‌نوعی برای خود تشخص هویتی ایجاد کرده بود. از طرف دیگر از آنجا که تشکیل حکومت و خلافت به سطحی از تشکیلات سازمانی نیاز دارد، داعش قدرت سازمان‌دهی و تشکیلاتی خود را نیز به رخ رقیبان کشید. به این ترتیب داعش کارآمدی خود را در صحنه عمل نشان داد که جاذبه بسیار موثری را برای فراخواندن افرادی ایجاد کرده است که به عمل‌گرایی اعتقاد دارند و اهل ریسک نیستند.

موفقیت داعش در فتح آسان موصل و همچنین استان دیرالزور سوریه، قدرت و موفقیت ساختاری و قدرت لابی‌گری داعش را نشان داد. در جریان فتح موصل و تکریت، داعش به‌وضوح قدرت «زد و بند» و «معامله‌گری» خود را نشان داد.

داعش علاوه بر طراحی پاسپورت و کارت‌های شناسایی مخصوص به خود، سکه حکومت داعش را نیز ضرب کرد. افزون بر این سازمان‌های خدماتی مانند «شورای شهر»، «دادگاه‌های شرع»، «آبیاری درختان و زیباسازی شهرها»، «رسیدگی به ایتام» و «اداره‌های عمرانی و ساختمان‌سازی» را با نام «دولت خلافت» راه‌اندازی کرده و در رسانه‌های وابسته به داعش تبلیغ کرد.

این گروه‌ها، اولاً می‌توانستند روی دیگر سکه خشونت‌طلبانه داعش را به‌نمایش گذارند و احتمالاً همان اقدامات، خوراک تبلیغاتی مناسب را در مناطق جدید مانند لیبی و تونس فراهم خواهد ساخت؛ ثانیاً بخش دیگری از شهروندان مناطق تحت سیطره خود را به عضویت گردان‌های وابسته به داعش دربیاورند.

در واقع داعش به این ترتیب عضویت در داعش را توسعه داد تا عضو داعش بودن

فقط ابعاد نظامی و انتحاری نداشته باشد؛ بلکه عضویت در داعش از طریق این نهادها و سازمان‌ها نیز امکان‌پذیر باشد.

در این ساختار جوانان غربی جایگاه بهتری را کسب می‌کنند. طبق اطلاعات ارائه شده در کتاب «داعش: کشور وحشت» نوشته استرن و برگر، شمار زیادی از جنگجویان خارجی اروپایی که به داعش ملحق می‌شوند، در میان افراد رده بالای این گروه هستند.^{۲۲}

نیروهای اروپایی یک قدرت فرهنگی در داعش ایجاد کرده‌اند. آن‌ها به دلیل اینکه نسل تحصیل‌کرده و متخصص در حوزه‌های گوناگون هستند از تمایز و برتری فرهنگی تمدنی برخوردارند. آن‌ها چون از یک جامعه کاملاً توسعه‌یافته به یک جامعه در حال توسعه آمده‌اند، طبیعی است که نقش‌های استراتژیک و تخصصی داعش را در حوزه رسانه و جذب افراد و شبکه‌های اجتماعی و در حوزه‌های مرتبط با جنگ روانی و حتی جنگ پارتیزانی برعهده می‌گیرند. یعنی یک عده از افرادی که اطلاعات خیلی خوبی دارند و حتی در بسیاری از دانشگاه‌های خوب تحصیل کرده‌اند جذب داعش می‌شوند چون در داعش موقعیتی در انتظار آن‌هاست که بهتر از موقعیت اجتماعی است که در جامعه خودشان داشته‌اند. از این رو یکی از دلایل جذب جوانان اروپایی به داعش را تأمین حس احترام و مفیدبودن در اجتماع است که به آن‌ها شخصیت، حرمت، کرامت و هویت زیادی می‌بخشد.

جمع بندی

داعش با تمرکز بر خलाهای مسلمانان در غرب و کشورهای اسلامی، مسلمانان را با تبلیغات واهی و پاسخ کاذب و ارائه نمونه و الگوهای تقلبی به سوی خود جذب کرد. مشکلات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دینی در جوامع اسلامی، واقعیاتی است که داعش از آن‌ها برای جذب هواداران خود استفاده می‌کند. او برخی مشوق‌های مالی و بعضاً جنسی را قرار داده است تا در کنار تبلیغاتی که انجام می‌دهد این تصور را در ذهن مردم ایجاد کند که می‌تواند به نیازهای آن‌ها پاسخ دهد؛ در واقع داعش نوعی اغفال‌گر فرصت طلب است.

موضوع وقتی جالبتر می‌شود که علل این مشکلات در جهان اسلام را در روابط استعماری غرب با جهان اسلام ردیابی می‌کنیم. در واقع روابط استعماری غرب سبب شده است که این مشکلات در جهان اسلام ایجاد شود که به دنبال آن داعش مدعی پاسخ به این نیازها باشد و البته پاسخگویی کاذب و ظاهری.

مسلمانان در غرب نیز مانند مسلمانانی که در جوامع اسلامی هستند با مشکلاتی مواجهند که آن مشکلات نیز از نوع رابطه سلطه‌گرانه و تحقیرکننده غرب با مسلمانان غربی ناشی می‌شود. در این شرایط مسلمانان غربی نیز جذب تبلیغات غرب شده و فکر می‌کنند می‌توانند از جهتی از غرب انتقام بگیرند و از جهتی از این مشکلات فرار کنند؛ البته داعش برای این مسلمانان نیز پاسخگویی تقلبی و انحرافی است که با تبلیغات خود واقعیت پوشالی‌اش را می‌پوشاند.

مقام معظم رهبری نیز در نامه به جوانان غربی، با دیدی متعالی و ژرف‌نگر از طرفی واقعیت غیراسلامی و پوشالی گروه‌های تکفیری را بیان می‌کند و از طرف دیگر با بیان نقش غرب در ایجاد این گروه‌ها و همچنین مشکلاتی که بر اثر روابط استعمارگرانه غرب با جهان اسلام ایجاد شده است، جهت پیکان را به سوی خود غرب برمی‌گرداند؛ نه اینکه غرب در مورد گروه‌های تکفیری و امنیت خود از جهان اسلام طلبکار باشد. در

واقع مقام معظم رهبری توجه جوانان غرب را به این نکته جلب می‌کند که آن‌ها به‌جای قضاوت‌های شتاب‌زده در مورد اسلام و مسلمانان، در مورد گروه‌های تکفیری و درباره مواجهه غرب با جهان اسلام تفکر کنند و بدانند که غرب امروز در حال دریافت اثر کارهای گذشته خود است. پس در این خصوص جهان اسلام غرب را مواخذه می‌کند نه اینکه غرب جهان اسلام را بر صندلی متهم بنشانند (رک: نامه مقام معظم رهبری به جوانان غربی).

منابع

۱. الهاشمی، هشام، ۲۰۱۴، *عالم داعش*، لندن: دارالحکمه.
۲. باخوان، عادل، ۱۳۹۳، «هویت داعشی‌های اروپایی»، *بولتن نیوز*.
۳. ببری، نیکنام، ۱۳۹۳، *تروریسم و جهانی شدن ارتباطات*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۴. ببری، نیکنام، ۱۳۹۳، *سیستم‌سازی پاشنه‌آشیل تکفیریسلم*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۵. تاجیک، هادی؛ عالیشاهی، عبدالرضا؛ مجیدی نژاد، سیدعلی، تابستان ۱۳۹۳، «گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز-تیلی»، *آفاق امنیت*، ش ۲۳، ص ۲۶۰ تا ۲۶۱.
۶. جلائی‌پور، حمیدرضا، ۱۳۸۱، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*، تهران: طرح نو.
۷. دسوقی، محمد، ۱۳۷۶، *سیر تاریخی و ارزیابی شرق‌شناسی*، ترجمه محمدرضا افتخارزاده، تهران: هزاران.
۸. زهرالدین، صالح، ۱۴۱۳ق، *الاسلام و الاستشراق*، لبنان: دارالندوه.
۹. ساعی، احمد، ۱۳۹۱، *مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم*، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. سعید، ادوارد، ۱۳۷۷، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. سعید، خالد، ۱۳۹۱، *ادوارد سعید منتقد شرق‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا صادقی، قم: صحیفه.
۱۲. صالح، مازن، ۱۴۰۹ق، *من آفاق الاستشراق الامریکی المعاصر*، مطبقاتی، مدینه المنوره: مکتبه ابن‌القیم.
۱۳. عارف، نصرمحمد، ۱۴۱۲ق، *التنمیة السیاسیة المعاصره، الولايات المتحدة الامریکیه*: هیرندن، فیرجینیا.

۱۴. عامدی، رضا، ۱۳۹۰، *ادوارد سعید و شرق‌شناسی*، تهران: علم.
۱۵. عبدالمنعم، فواد، *الازهر من افتراءات المستشرقین علی الاصول العقیده فی الاسلام*، ریاض: مکتبه العبیطان.
۱۶. عطوان، عبدالباری، ۲۰۱۵، *الدوله الاسلامیه؛ الجذور، التوحش، المستقبل*، بیروت: دار ساقی.
۱۷. غفاری هاشجین، زاهد؛ عزیزاده سیلاب، قدسی، ۱۳۹۳، «مولفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی-تکفیری؛ مطالعه موردی داعش»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۱۱، ص ۹۷.
۱۸. فیومی، محمد ابراهیم، ۱۴۱۳ق، *الاستشراق رساله استعمار نظور الصراع الغربی مع الاسلام*، قاهره: دارالفکر العربی.
۱۹. کسرای، محمدسالار و داوری مقدم، سعید، بهار ۱۳۹۳، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ۷، ش ۱.
۲۰. میلانی، جمیل، ۱۳۹۳، *داعش ریشه‌ای سنتی، روشی مدرن؛ مدرنیته علیه مدرنیسم*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۲۱. ناجی، ابوبکر، ۲۰۱۵، *اداره التوحش، سوریه: دار تمر*.
۲۲. نبوی، سیدعبدالامیر؛ نجات، سیدعلی، زمستان ۱۳۹۳، «جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه بر اساس تحلیل گفتمان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ش ۴، ص ۱۵۱.
۲۳. نظری، علی‌اشرف و السمیری، عبدالعظیم، زمستان ۱۳۹۳، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی اجتماعی»، *علوم سیاسی*، ش ۶۸.
۲۴. نوریبخش، یونس؛ مهدی‌زاده، منصوره، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۴۷.
۲۵. نوزی، فاروق عمر، ۱۹۹۸، *الاستشراق و التاریخ الاسلامی*، اردن: الاهلیه للنشر.
۲۶. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷ش، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکورد تا بیداری اسلامی)*، چ ۲، تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد و

تاریخ دیپلماسی.

۲۷. هاشمی، کاظم، «داعش و مسئله پیوستن به آن»، <http://sharghdaily.ir/News/۷۴۳۳۱>

منابع لاتین-سایت‌های اینترنتی

1. Berger, J.M and Morgan, Jonathon 2015, "The ISIS Twitter Census Defining and describing the population of ISIS supporters on Twitter", **Center for Middle East Policy at Brookings**, Available at:
http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2015/03/is-is-twitter-census-berger-morgan/brookings-analysis-paper_jm-berger_final_web.pdf, Access: March 7, 2015.
2. Dayan, Linda and Chorev, Harel and Sofer Shabatai, Hadas, "ISIS Social Media and the Case of Tumblr", **Middle East Social Media**, Volume 3, Available at: http://dayan.org/sites/default/files/Beehive_Jan15.ENG.FINAL.pdf, Access: March 8, 2015.
3. Richard Barrett, 2014, Foreign Fighters in Syria, the Soufan Group,.
4. Gilmore, Ashley, 2015, "Social Media Seen as a Terrorism Platform for ISIS", **Medillonthehill**, Available at: <http://medillonthehill.net/2015/02/social-media-seen-as-a-terrorism-platform-for-isis/>, Access: March 7, 2015.
5. <http://55online.ir/news>
6. <http://kheybaronline.ir/fa/news>.
7. <http://www.entekhab.ir/fa/news>.
8. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930631001222>
9. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news>.
10. <http://www.yjc.ir/fa/news>.
11. andre Paulin, Michael Schmidt, 2014, ISIS user a Convert to Islam, in Recruitment Video, New York Times.
12. John Esposito, 2014, ISIS, Radicalization and the Politics of Violence and Alienation, p5, Reset Doc.

13. Nayed, Aref Ali, "ISIS in Libya Winning the Propaganda War", **Kalam Research & Media**, Available at: [http://www.kalamresearch.com/~kalamres/pdf/CVE-web\[1\].pdf](http://www.kalamresearch.com/~kalamres/pdf/CVE-web[1].pdf), Access: March 8, 2015.
14. Robertson, Roland and Kathleen E. White, 2003, **Globalization: Analytical perspectives**, Routledge, p224.
15. Richard Barrett, 2014, *The Islamic State*, the Soufan Group.
16. United Nations, "The Use of the Internet for Terrorist Purposes", **United Nations Office on Drugs and Crime**, Available at: http://www.unodc.org/documents/frontpage/Use_of_Internet_for_Terrorist_Purposes.pdf, Access: March 9, 2015.
17. Peter Van Osteen, 2014, Update on the Belgians in Syria, Jihadology. Category Archives: Sharia 4 Belgium, p4.